

## بررسی و تحلیل گزارشات تاریخی مسأله عطش در کربلا

مهدی حشمتی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> فارغ التحصیل دکتری تاریخ جامعه المصطفی (ص)-استاد جامعه المصطفی (ص) heshmati1361@gmail.com

### چکیده

معمولا در مباحث تاریخی اگر جریان و رخدادی به تواتر رسیده باشد باید برای توجیه و پذیرش آن دلیل پیدا کرد و نمیتوان آن را انکار نمود. از جمله مسائلی که امروزه در مورد آن شبهات فراوان مطرح می شود مسئله عطش در واقعه عاشورا می باشد. منتقدان با قرار دادن یک اصل کلامی (عزت امام علیه السلام) گزارشات تاریخی را رد کرده و آنان را منافی با منش و سیره معصوم می دانند. منع آب به عنوان یک روش مقابله با دشمن در حوادث صدر اسلام نشان داده است. در این تحقیق ابتدا پیشینه ای از منع آب در حوادث تاریخ اسلام قبل از عاشورا بیان خواهد شد. سپس با رجوع به منابع، سیر گزارش مسئله عطش در کربلا در قرن های متمادی به تصویر کشیده خواهد شد. در انتها نیز با استفاده از داده های منابع کهن آنچه از مسئله عطش در کربلا چهره نموده بود بیان خواهد شد. و در ضمن آن شبهاتی که از طرف دشمن درباره عطش در کربلا مطرح شده، تفصیلا پاسخ داده می شد. نتیجه آنکه گزارشات تاریخی طلب آب امام از دشمن وجوهی دارد و صرفا نمی تواند دال بر ذلت باشد.

کلید واژه؛ تحلیل ، گزارش، عطش، کربلا

### مقدمه

در تاریخ هدف، رساندن گزارشات قابل اعتماد و مورد وثوق به آیندگان است بی آنکه اصل یا ملاکی کلامی، فلسفی، را بعنوان ترازو یا سنجش قرار دهیم که در این صورت دیگر تاریخ بما هو تاریخ نیست. مورخ مسیر نگارشش به سمت ثبت حوادث است بی آنکه درباره عزت یا ذلت کسی قضاوت نموده و نمیتواند گزارشاتی که با دیدگاه وی در تنافی است را مردود اعلام کرده و بدون دلایل منطقی از آن صرف نظر کند. یک واقعه تاریخی از دو حیث قابل تتبع و بررسی است یا آن گزارش صحیح بوده و سند دارد، یا آنکه قابل استناد نبوده و ضعیف است. در گزارشات قوی و دارای سند معمولاً پژوهشگران اصل را بر منابع متقدم گذاشته و استناد میکنند، لذا اگر گزارشی کهن در تنافی با ملاکها و دیدگاههای آن نویسنده بوده میتواند بگوید این گزارش صرفاً تاریخی است و نمیتوان به آن اعتماد نمود و یا آنکه نویسنده را معاند دانسته و وی را حادثه آفرین دانسته تا گزارشگر.

علم تاریخ محدود است و با ابزار علمی محدود نمیتوان منکر شد بلکه فقط عدم اثبات از سوی آن مورد مذاقه است، بنابراین عدم اثبات به انکار منتهی نمی شود. بعنوان مثال در ماجرای رد الشمس و یا واقعه تولد امیرالمومنین (ع) در کعبه از نظر تاریخی اضطراب وجود دارد ولی آیا میشود این دو حادثه تاریخی را که تاییدات کلامی و... دارند بطور مطلق انکار کرد؟ یا آنکه تاریخ مسلم می داند که پیامبر برای جبران حق الناس فرمود بر بطن من چوب بزنید آیا چون این واقعه منافات با عصمت است میتوان گفت در تاریخ چنین چیزی وجود ندارد؟ بلکه میشود گفت این مطلب علی ما نقل است و نمیتوان به آن اعتماد نمود. بنابراین همانطوری که مرجع تقلید به علت نبود حدیث فقهی دال بر حرمت تراشیدن محاسن از سیره متشرعه کمک میگیرد در بعضی از گزارشات تاریخی نیز میتوان از روایات صحیح معاونت گرفت. حاصل آنکه تاریخ، علمی است که برای استفاده از آن باید تمامی لوازم آن دیده شود و با علم به آنکه علمی محدود است، دنبال کشف بود و این میسر نیست مگر با روش، و مهمترین اصل در روش، روش عقلایی است.

### پیشینه

کتابها<sup>۲</sup> و مقالات<sup>۳</sup> و مقالات<sup>۴</sup> و تحقیقات عدیده ایی به بحث و بررسی درباره عطش هم از حیث تایید واقعه طلب آب و منافات آن با عزت حسینی نگاشته اند، اما تاکنون تعداد بسیار کمی از آنها به عنوان مذکور تحقیق ما پرداختند که آیا امام طلب آب کرد یا نه؟ و اگر بله این منافات با عزت طلبی در نهضت امام ندارد؟ در مقاله پژوهشی (مسئله آب در کربلا) که توسط اصغر فروغی آبری نوشته شده اصل تشنگی و بستن آب به روی خیام آورده شده<sup>۵</sup>، در مقاله تأثیر و نقش آب در حادثه کربلا نوشته شهلا شمیم، این پژوهش بر نقش و اهمیت عنصر آب در حادثه کربلا استوار است و به دنبال بیان نظرات و دیدگاه های متفاوت راجع به این عنصر در واقعه عاشورا است و به موضوع ما اشاره نشده است. مقاله پژوهشی دیگری با عنوان نمادهای عرفانی آب و عطش در واقعه ی عاشورا<sup>۶</sup> نوشته شده که در این مقاله، نمادهای «تشنگی» و «عطش» در روز عاشورا، از منظر عرفانی و به طور خاص، از نگاه عمان سامانی و صفی علیشاه بررسی می شود و به موضوع ما اشاره ای نکرده است. مقاله کربلا، فرهنگ مردم و آب<sup>۷</sup> محمد علی محراب بیگی، به موارد عاطفی مسئله آب و عطش در کربلا پرداخته و اشاره ایی به مسئله مورد نظر ما نکرده است. یکی از مهمترین مقالاتی که بشدت مسئله طلبیدن آب توسط امام حسین (ع) را مخالف عزت حضرت و دون شان آن بزرگوار می داند مقاله عزت طلبی در نهضت امام حسین (ع) نعمت الله صفری فروشانی است. ایشان در آن مقاله می نویسد:

((نکته تأسف بار آن است که در حالیکه میشود از این عنصر به بهترین وجه برای تبلیغ مرام حسینی و بلکه تشیع در میان همه افتخار طلبان بهره برداری گردد، اما به علت رواج نوعی کج فهمی که در میان گروههایی از پیروان آن حضرت (ع) در طول تاریخ ایجاد شده اصل را بر ارائه چهرهای رقت بار و حزن انگیز و گریه آور در این نهضت قرار داده و در این راه برای رسیدن به ثواب و یا به هر منظور دیگر، از جعل و تحریف در وقایع این نهضت رویگردان نشده و نتیجه کار خود را در ارائه چهرهای ذلیلانه از امام حسین (ع) اصحاب و خاندانش مشاهده کردند هر چند ممکن است این نتیجه مقصود بالذات آنها نبوده باشد))<sup>۸</sup> به نظر نویسنده این مقاله عزت امام با اظهار عطش خدشه دار می شه و چهره ذلیلانه ایی از امام حسین (ع) نشان به نمایش گذاشته میشود غافل از آنکه این واقعه موید قرآنی دارد و آن زمانی است که نبی خدا از مردم طلب طعام و آب میکنند که در ادامه خواهد آمد.

مسئله عطش، محور اصلی

<sup>۲</sup> . به عنوان نمونه ؛ موسوعه کلمات الامام الحسین - نفس المهموم ششیش عباس قمی - لولو و مرجان شیخ حسین نوری - تحریفات عاشورا مرتضی مطهری - وقعه الطف ابو مخنف از دی ۱۵۷ ق - الارشاد شیخ مفید - الفتوح ابن اعثم - سید بن طاووس - منتخب طریحی - مقتل الحسین خوازمی - بحار الانوار علامه مجلسی ، سحاب رحمت اسماعیلی ، مقام زخار و صمصام بتار فرهاد میرزا ،

<sup>۳</sup> . اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت ، شیخ آغان عابد شیروانی حائری معروف به فاضل دربندی ، حقیق شیخ محمد جمعه بادی و عباس ملاعطیة الجمری ، چاپ اول ، قم ، دار ذوی القربی للطباعة و النشر ، ۱۴۲۰ ق ، ج ۳ ، ص ۶۳

<sup>۴</sup> . مقالات متعددی نوشته شده که معمولاً درباره مسئله مورد نظر ما اشاره بی نشده است.

<sup>۵</sup> . تاریخ در آینه پژوهش ۱۳۸۲ شماره ۴

<sup>۶</sup> . پارسا پور ، زهرا بهار و تابستان ۱۳۹۴ ، فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء ، شماره ۷

<sup>۷</sup> . بهار و تابستان ۱۳۳۷ ، کتاب ماه هنر ۱۳۸۲ ، شماره ۲

<sup>۸</sup> . مجله حکومت اسلامی ، ۱۳۸۱ ، شماره ۲۶

انقلابیونی که در سال ۳۵ هجری عثمان را در خانه اش محاصره کردند، مانع از رسیدن آب به وی شدند تا اینکه علی (علیه السلام) با تلاش فراوانی آب مورد نیاز وی را به وسیله حسنین (علیهما السلام) برای او فرستاد<sup>۹</sup>

معاویه که احیا کننده خوی و خصلت و کینه های دوران جاهلیت بود، کوشید که در جنگ صفین از آب به عنوان حربه جنگی استفاده کند، از این رو نخست بین سپاهیان امیرالمؤمنان (علیه السلام) و منابع آب مانع ایجاد کرد، ولی علی (علیه السلام) که سمبل اسلام بود به محض اینکه بر منابع آب دست یافت، سپاهیان معاویه را از آب منع نکرد.<sup>۱۰</sup>

از لحظه حرکت امام از مدینه تا کربلا مسئله آب با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی و تنوع انسانی همراهان امام به عنوان یکی از مسائل مهم و حیاتی قابل توجه بوده و نمی توان از کنار آن به راحتی عبور کرد. در راه رسیدن امام به کربلا امام حسین (علیه السلام) از حر خواست تا اجازه دهد تا کاروان در غاضریه و - در شمال شرق کربلا که دارای آب و آبادانی بود - و یا نینوا فرود آیند.<sup>۱۱</sup> اهمیت آب در کربلا چنان بود که حتی نزاع بر سر آن، چند روزی قبل از عاشورا آغاز شد و تا پایان جنگ در روز عاشورا ادامه داشت شهدای کربلا هم به ویژه آنهایی که متأخرتر شهید شدند با لب تشنه به جوار حق آمدند. در منزل شراف با سپاهیان کوفه به فرماندهی خُر بن یزید ریاحی رو به رو شد؛ در حالی که آنها از فرط تشنگی به ستوه آمده بودند، امام (علیه السلام) به یارانش دستور داد از آبی که همراه داشتند به آنها بدهند، تا آنجا که سپاهیان و چهار پایان آنان سیراب شدند. و بنابر روایتی، امام حسین (علیه السلام) خود در نوشاندن آب به آنها کمک می کرد.<sup>۱۲</sup>

چنان که عبیدالله بن زیاد طی نامه ای از خُر می خواهد که امام حسین (علیه السلام) را در سرزمینی بدون پناهگاه و آب و آبادی فرود آورد<sup>۱۳</sup> ابو حنیفه دینوری در این باره می نویسد: «ابن زیاد به عمر بن سعد نوشت که از حسین (علیه السلام) و یاران او آب را باز گیرد و نباید یک جرعه

---

<sup>۹</sup> . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۲۴۷ و ابن اثیر، عزالدین علی، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۳، سنه ۳۵، ص ۲۷۸ و مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۷۰۱ و مسکویه رازی، ابوعلی، تجارب الامم، مترجم ابوالقاسم امامی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۱۴.

<sup>۱۰</sup> . نصر بن مزاحم منقری، پیکار صفین، مصحح عبد السلام محمد هارون، مترجم پرویز اتابکی انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶، صص ۲۲۲ - ۲۱۹ و یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، صص ۸۹ - ۸۸ و دینوری ابو حنیفه، احمد بن داوود، اخبار الطوال، مترجم دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران، ۱۳۶۶، صص ۲۱۰ - ۲۰۸ و ابن طباطبا (ابن طقطقی)، محمد بن علی، تاریخ فخری، مترجم محمد وحید گلپایگانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۱۲۳ - ۱۲۲.

<sup>۱۱</sup> . دایره المعارف تشیع، احمد صدرحاج سیدجواد، کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، تهران، شهید سعید محبی، ج ۱۲، ص ۱۸. و سالوه ان ینزلوا بنینوی و الغاضریه فابی ذلک علیهم. کتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۳، ص ۱۷۶، خروج الحسین بن علی (علیهما السلام) من مکة إلى الکوفة.

<sup>۱۲</sup> . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۹۰ و مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۷۹ و ابن اثیر، عزالدین علی، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۵، ص ۱۴۹.

<sup>۱۳</sup> . طبری، محمد بن جریر، همان، ج ۷، صص ۳۰۰۱ - ۳۰۰۰ و ابن اثیر، عزالدین علی، همان، ج ۵، ص ۱۵۶ و بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، مصحح الشیخ محمد باقر مهدوی، دار التعارف بیروت، ۱۳۹۷ ق ۱۹۷۷ م، ج ۲، جزء ۳، ص ۱۷۶ و ابن شهر آشوب، سروی مازندرانی، ابی جعفر رشید الدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، مصحح سیدهاشم رسولی محلاتی، مؤسسه انتشارات علامه، بی تا، ج ۴، ص ۹۶ و مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ج ۲، صص ۸۵ - ۸۴.

آب بنوشد، هم چنان که این کار را نسبت به عثمان بن عفان پرهیزکار انجام دادند.<sup>۱۴</sup> عمر بن سعد مأموریت حفاظت از آب را به عمرو بن حجاج زبیدی به همراه پانصد سوار واگذار کرد. آنان از روز هفتم تا دهم محرم یعنی پایان جنگ با جدیت تمام از شریعه فرات حفاظت می نمودند که مبدا امام حسین (علیه السلام) و یارانش از آن، آب بردارند. آنها نه تنها بین امام حسین (علیه السلام) و آب حایل شدند؛ بلکه با به راه انداختن جنگ روانی بر آثار ناشی از تشنگی و فقدان آب افزودند، به طور مثال: عبدالله بن حصین از دی که از قبیله بجیله بود ندا داد: «ای حسین آیا این آب را می بینی که مانند قلب آسمان صاف است تو یک قطره از آن را نخواهی چشید تا آنکه از تشنگی بمیری.»<sup>۱۵</sup>

شمر نیز از جمله کسانی بود که در رابطه با آب به امام حسین (علیه السلام) زخم زبان می زد.<sup>۱۶</sup>

منع آب از امام حسین (علیه السلام) حقیقتی است که نه تنها مورخان از آن یاد کرده اند؛ بلکه امام زمان (عج) نیز در زیارت ناحیه مقدسه به آن اشاره نموده، می فرماید: «فمنعواک الماء وُرُودَهُ» «پس آب و ورود بر آن را از تو منع کردند»

بعضی مسئله آب در کربلا را از مسائل پیش پا افتاده و سطحی نگریده حال آنکه طبری نقل کرده که: پس از اینکه پیام ابن زیاد به عمر سعد رسید، او عمرو بن حجاج را با پانصد نفر، مامور و محافظ شریعه کرد و آنها نیز تا سه روز بین کاروان حسینی و آب فاصله انداختند تا اینکه امام حسین (علیه السلام) و یارانشان به شهادت رسیدند. «بعث عمر بن سعد عمرو بن الحجاج علی خمس مائه فارس فنزلوا علی الشریعه و حالوا بینة و بین الماء ثلاثة ایام الی ان قتل<sup>۱۷</sup> حتی عمر سعد علاوه بر اینکه عمرو بن حجاج زبیدی را نگهبان آب کرد<sup>۱۸</sup>

از دیگر شواهدی که یقین انسان را در مساله عطش در کربلا مضاعف می کند، اشاره ای است که در سخنان و رفتار اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به حادثه کربلا دیده می شود. نه تنها اهل بیت (علیهم السلام) در سخنانشان به این مساله اشاره کرده اند که جبرئیل نیز در ضمن نقل حادثه عاشورا برای برخی از انبیای الهی آن را بازگو کرده است. نقل شده است که جبرئیل پس از ترک اولای حضرت آدم (ع) و توبه ایشان به مساله عطش اشاره کرده است. او به حضرت آدم (علیه السلام) می فرماید: «يَقْتَلُ عَطْشَانًا غَرِيبًا وَحِيدًا قَرِيدًا ، لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ وَ لَا مُعِينٌ وَ لَوْ تَرَاهُ يَا آدَمُ وَ هُوَ يَقُولُ وَآ عَطْشَاهُ وَآ قَلْبُهُ نَاصِرَاهُ حَتَّى يَخُولُ الْعَطْشُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ السَّمَاءِ كَالدَّخَانِ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ إِلَّا بِالسَّيْفِ وَ شَرِبَ الْخُتُوفُ»<sup>۱۹</sup>؛ (کشته می

<sup>۱۴</sup> . قالوا: و ورد کتاب ابن زیاد علی عمر بن سعد، ان منع الحسين و اصحابه الماء، فلا يذوقوا منه حسوة [۱] كما فعلوا بالتقى عثمان بن عفان. اخبار الطوال ص ۳۰۱

<sup>۱۵</sup> . ابن اثیر، عزالدین علی، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۵، ص ۱۵۸ و طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۰۰۶ و بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، ج ۲، جزء ۳، ص ۱۸۱ و ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، مصحح علی اکبر غفاری، مترجم سیدهاشم رسولی محلاتی، نشر صدوق، چاپ تابش، بی تا، ص ۱۱۸ و مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۲، ص ۸۸.

<sup>۱۶</sup> . ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۱۱۸ و مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۵۲ - ۵۱.

<sup>۱۷</sup> . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۵، ص ۴۱۲، مقتل الحسين رضوان الله علیه؛ منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الال علیهم السلام، حاج شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۶۲۰، الفصل الاول فی بیان نزوله علیه السلام بکربلاء و الوقائع التي وقعت الی اليوم التاسع.

<sup>۱۸</sup> . منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الال علیهم السلام، حاج شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۶۲۰، الفصل الاول فی بیان نزوله علیه السلام بکربلاء و الوقائع التي وقعت الی اليوم التاسع؛ تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۵، ص ۴۱۲، مقتل الحسين رضوان الله علیه؛

<sup>۱۹</sup> . بحار ج ۴۴ ص ۲۴۵

شود در حالتی که تشنه باشد و بی کس باشد و تنها و فرید باشد و او را ناصری و معینی نباشد. ای آدم، اگر او را ببینی در حالتی که می گوید: (وا عطشاه، وا قله ناصراه) تا گاهی که از تشنگی چشمش چنان تاریک می شود که آسمان را نتواند دید و هیچ کس او را جواب نگوید الا با زبان شمشیر و شراب مرگ. از پیامبر اکرم (صل الله علیه وآله) روایت شده است که به دخترش فاطمه (علیها السلام) فرمود: «أَتَانِي جَبْرَائِيلُ فَبَشَّرَنِي بِفَرَحَيْنِ يَكُونَانِ لَكَ ثُمَّ عَزَيْتُ بِأَحَدِهِمَا وَ عَرَفْتُ أَنَّهُ يُقْتَلُ غَرِيبًا عَطْشَانًا ، فَبَكَتْ فَاطِمَةُ حَتَّى عَلَا بُكَاءُهَا ، ثُمَّ قَالَتْ : يَا أَبَه لِمَ يَقْتُلُوهَ وَ أَنْتَ جَدُّهُ وَ أَبُوهُ عَلِيٌّ وَ أَنَا أُمُّهُ ؟ ! قَالَ (صل الله علیه وآله) ( يَا بُنَيَّةُ لِيَطْلَبِيَهُمُ الْمَلِكُ أَمَّا إِنَّهُ سَيَطْهَرُ عَلَيْهِمْ سَيْفٌ لَا يَغْمِدُ أَلَا عَلِيٌّ يَدُ الْمَهْدِيِّ مِنْهُ وَلِدَكَ «جبرئیل بر من وارد شد و من را به دو فرزند که از تو متولد می شوند بشارت داد، سپس تعزیت گفته شدم به یکی از آنها و دانستم که او تشنه و غریب کشته می شود. پس فاطمه چنان گریه کرد که صدایش بلند شد، سپس گفت: ای پدر چرا او را می کشند در حالی که تو جدش و علی پدرش و من مادرش هستم؟! پیامبر فرمود: دخترم آنها حکومت می خواهند. اما بزودی شمشیری علیه آنان بیرون می آید که غلاف نمی شود مگر به دست مهدی که از فرزندان توست.<sup>۲۰</sup> آدر سخنی که راوی آن را از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند نیز به مساله عطش اشاره شده است» عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (ع) قال: إنَّ الحسینَ صاحبَ كَرْبَلَاءَ قُتِلَ مَظْلُومًا مَكْرُوبًا عَطْشَانًا لَهْفَانًا وَ حَقَّ عَلَيَّ اللهُ - عَزَّوَجَلَّ - أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مُذْنَبٌ وَلَا مَغْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا دُوَّ عَاهَةٌ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَ تَقَرَّبَ بِالحسینِ عَلَيهِ السَّلَامُ إِلَى اللهِ - عَزَّوَجَلَّ - إِلَّا نَفْسَ اللهِ كُرْبَتَهُ وَأَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَ عَفَّرَ ذُنُوبَهُ وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ وَ بَسَطَ فِي رِزْقِهِ. فَاعْتَبَرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ<sup>۲۱</sup>..... إِنَّ الحسینَ ع قُتِلَ مَظْلُومًا مُضْطَهَدًا نَفْسُهُ عَطْشَانًا هُوَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابُهُ<sup>۲۲</sup>

طلب آب امری سیاسی

بنابر روایت ابن اعثم کوفی و ابن شهر آشوب، امام حسین (علیه السلام) در جلوی خیمه چاهی حفر کرد که آب گوارایی داشت<sup>۲۳</sup> حفر چاه با آبی گوارا به دست مبارک امام حسین (علیه السلام) - با توجه به مقام امامت آن حضرت - امری طبیعی بود؛ زیرا بنابر روایتی، مردم آن عصر بین آن حضرت و گوارایی و برکت آب، ارتباطی معنادار قایل بودند. بنابر روایت ابن عساکر، امام حسین (علیه السلام) هنگامی که از مدینه به مکه می رفتند با عبدالله بن مطیع برخورد کردند که در حال حفر چاهی بود. ابن مطیع به امام حسین (علیه السلام) عرض کرد: «این چاه را من به آب رساندم و امروز ابتدای آب است که با دلو برای ما خارج می شود، پس ای کاش برای ما در آن از خدا برکت می خواستی». امام حسین (علیه

<sup>۲۰</sup> . دلائل الإمامة، محمد بن جریر بن رستم طبری، ص ۱۰۲، خبر لیلۃ الزفاف؛ نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة علیهم السلام، محمد بن جریر بن رستم طبری، ص ۲۱۹، خبر لیلۃ الزفاف؛ فضائل أمير المؤمنین (ع)، ابن عقده کوفی، ص ۱۰۸، الفصل السادس عشر زواجه علیه السلام بفاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله؛ ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، سید نعمت الله جزائری، ج ۱، ص ۱۷۴، تفسیر (فتلقی آدم من ربه کلمات).

<sup>۲۱</sup> . کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص ۱۶۸، الباب التاسع و الستون أن زیارة الحسین ع ینفس بها الكرب و تقضى بها الحوائج؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱۰، ص ۲۳۹، باب تأکد استحباب زیارة الحسین بن علی ع و وجوبها کفایة.

<sup>۲۲</sup> . کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص ۱۵۳، الباب الثاني و الستون أن زیارة الحسین ع تحط الذنوب؛ بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۹۸، ص ۲۷، باب ۴ أن زیارته صلوات الله علیه یوجب غفران الذنوب و دخول الجنة و العتق من النار و حط السيئات و رفع الدرجات و إجابة الدعوات.

<sup>۲۳</sup> . ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۵۰ و ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد بن علی، الفتوح، ص ۸۹۳.



السلام) فرمودند: از آب آن بیاور؛ وی نیز چنین کرد و آن حضرت آشامید و مضمضه نمود. سپس آب را به چاه برگرداند. پس آن چاه گوارا و زیاد شد<sup>۲۴</sup>

شاید کندن چاه بعید نیست بعلت حفر خندق در اطراف خیام<sup>۲۵</sup> ولی از طرفی قطع یدین عباس بن علی که مقام سقایی داشت بجهت آب آوری یا حضرت علی اکبر که از شدت مبارزه با دشمنان، تشنگی بر او عارض شده بود به سوی پدر آمد و طلب آب کرد؛ او گفت که به دست جدت آب می نوشی<sup>۲۶</sup>.

ولی باز هم از روایت ابوحنیفه دینوری که می نویسد: «امام حسین(علیه السلام) در لحظات آخر از فرط تشنگی قحح آبی خواست و چون آن را به دهان نزدیک ساخت، حصین بن نمیر، تیری بر آن حضرت زد که به دهانش خورد و مانع از آشامیدن شد و امام قحح را رها فرمود،<sup>۲۷</sup> این برداشت میشود که امام در خیام بوده و این یعنی آنکه در خیمه آب بوده حال آنکه گفته شده لحظات آخر است و بعید است در آن لحظه امام در خیمه باشد و از طرفی دشمن قطعاً آب به امام نمیداد پس آن قحح از کجا آمد؟ ناچاریم بپذیریم آب در خیمه بوده است.

او طی نامه ای به عمر سعد می نویسد: «اما بعد به من چنان رسانیده اند که حسین(علیه السلام) و یاران او چاه ها فرو برده اند و آب برمی دارند، لهذا ایشان را هیچ فرو ماندگی نیست. چون بر مضمون نامه وقوف یابی باید که حسین بن علی(علیه السلام) و یاران او را از کندن چاه منع کنی و نگذاری که پیرامون آب گردن<sup>۲۸</sup>

دشمن برای به تسلیم در آوردن امام حسین(علیه السلام) و خانواده اش از حربه آب با نهایت شقاوت و سنگدلی استفاده کرد؛ ولی با تدبیر امام(علیه السلام) و مقاومت اصحاب و صبر زنان و کودکان، هرگز نتوانست توفیقی حاصل کند و به رغم فشار تشنگی بر امام(علیه السلام)، یاران و خانواده اش، هرگز سر تسلیم فرود نیاوردند و قهرمانانه و تشنه لب با عزت نفس به شهادت رسیدند و از این طریق نیز دشمن را سر در گم و

<sup>۲۴</sup> . ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن بن هبة الله بن عبد الله الشافعی الدمشقی، ترجمه ریحانه رسول الله الامام المفدی فی سبیل الله الحسین بن علی بن ابی طالب ۷ من تاریخ مدینه دمشق، مصحح محمد باقر محمودی، مؤسسه المحمودی الطباعة والنشر، بیروت، لبنان، ۱۳۹۸ ق ۱۹۷۸ م، ص ۱۵۵ و ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، تاریخ الاسلام وفيات المشاهير والاعلام، به تحقیق عمر عبد السلام ترمزی، ناشر دارالعربی، بیروت، ۱۴۱۰ ق ۱۹۹۰ م، ج ۵، ص ۸.

<sup>۲۵</sup> . مجلسی، محمد باقر، ج ۴۵، ص ۴.

<sup>۲۶</sup> . ابن شهر آشوب، ابی جعفر، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۹ و ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد بن علی، الفتوح، ص ۹۰۷ و علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۱.

<sup>۲۷</sup> . مشخصات نشر: الأخبار الطوال، ابو حنیفه احمد بن داود الدینوری (م ۲۸۲)، صفحه ۲۵۸ تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.

<sup>۲۸</sup> . ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد بن علی، الفتوح، ص ۸۹۳.

مستأصل نمودند. لذا نتیجتاً تحریم آب، رسمی جاهلی در جنگ‌ها<sup>۲۹</sup> حربه بودن جهت تسلیم<sup>۳۰</sup> و ایذا شخص مورد نظر مثل واقعه جلوگیری از رسیدن آب به عثمان<sup>۳۱</sup> بود.

بررسی عزت امام (ع) در صورت طلب آب

مباحثی مانند آنکه گفته شود طلب کردن آب با عقل سازگار نیست و اگر امام حسین علیه السلام طلب آب کند موجب ذلت امام است شان علمی و تاریخی ندارد. در قرآن میخوانیم که ((فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا))<sup>۳۲</sup> باز با هم (حضرت موسی و حضرت خضر علیهما السلام) روان شدند تا وارد بر شهری شدند و از اهل آن شهر طعام خواستند، مردم از طعام دادن و مهمانی آنها ابا کردند. در روایت دیگری، پیامبر اکرم ص نیز در غزوه ای از غزوات وقتی که تشنگی بر همه غالب می شود فرمودند: هل من مغیث بالماء؟<sup>۳۳</sup> که در روایات مختلفی آمده است. از میان نامه ها و مکاتباتی که بین لشکریان دشمن رد و بدل شده و در آن از مساله عطش و بستن آب به میان آمده است، می توان به پیام ابن زیاد به حرّ بن یزید ریاحی اشاره کرد. در این پیام آمده است که ابن زیاد، حرّ را موظف می کند تا کاروان حسینی را به سرزمینی بی آب و علف هدایت کند تا آنها را از لحاظ آذوقه و آب در مضیقه قرار داده باشد.

هر چند امام حسین (علیه السلام) از او خواست تا اجازه دهد تا کاروان در غاضیه و - در شمال شرق کربلا که دارای آب و آبادانی بود - و یا نینوا فرود آیند<sup>۳۴</sup> (و سالوه ان ینزل بنینوی... فابی ذلک علیهم)

در سخنی که راوی آن را از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند نیز به مساله عطش اشاره شده است: «عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (ع) قال: إنَّ الحسینَ صاحبَ کربلاءَ قُتِلَ مَظْلُومًا مَکْرُوبًا عَطْشَانًا لَهْفَانًا وَحَقَّ عَلَی اللّهِ - عَزَّوَجَلَّ - أَنْ لَا یَأْتِیَهِ لَهْفَانٌ وَلَا مَکْرُوبٌ وَلَا مُذْنَبٌ وَلَا مَغْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا ذُو عَاهَةٍ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَتَقَرَّبَ بِالحسینِ عَلَیهِ السَّلَامُ إِلَى اللّهِ - عَزَّوَجَلَّ - لِأَنَّ نَفْسَ اللّهِ کَرُبَتْهُ وَأَعطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَغَفَرَ ذُنُوبَهُ وَمَدَّ فِی عُمُرِهِ وَوَسَّطَ فِی رِزْقِهِ. فَاعْتَبَرُوا یا أُولَی الْأَبْصَارِ»<sup>۳۵</sup> (حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) می فرمایند: امام حسین (علیه السلام) همان که در کربلا است در حالی که مظلوم و اندوهگین و تشنه و غصه دار بود، شهید شد. و (کسی) غصه دار و اندوهگین و گناهکار و تشنه و بیماری به زیارت آن

<sup>۲۹</sup> ر.ک تفسیر الصافی، فیض کاشانی ملا محسن، تحقیق: حسین اعلمی، ج ۲، ص ۲۷۴، [سورة الأنفال (۸): آیه ۱۴]

<sup>۳۰</sup> در جنگ خیبر نیز شخصی از یهودیان به نزد پیامبر (صل الله علیه و آله) آمد و در قالب پیشنهادی گفت: «اگر مجاری آب قلعه را ببندید، آنها را وادار به تسلیم می کنید». اما ایشان با بستن آب بر دشمن موافقت نکردند - ناسخ التواریخ زندگانی پیامبر، محمد تقی لسان الملک سپهر، ج ۳، ص ۱۲۰۰، [تعبیه زهر در غذای رسول خدای]

<sup>۳۱</sup> الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، تحقيق على شيرى، ج ۱، ص ۵۷، مخاطبة عثمان من أعلى القصر طلحة و أهل الكوفة و غيرهم؛ الجمل و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، شيخ مفيد، ص ۱۴۱، فصل في أسباب الخروج على عثمان؛ تاريخ الأمم و الملوك (تاريخ طبري)، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، ج ۴، ص ۳۸۵، ذكر الخبر عن قتل عثمان رضی الله عنه؛ كتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، تحقيق سهيل زكار و رياض زرکلي؛ ج ۵، ص ۵۵۸، مسير أهل الأمصار إلى عثمان و اجتماعهم اليه مع من اجتمع من أهل المدينة؛ كتاب الفتوح، أبو محمد أحمد بن اعثم الكوفي، تحقيق على شيرى، ج ۲، ص ۴۰۷، ذكر وصول بعض المصريين إلى المدينة و شكايتهم ضد عاملهم؛ الكامل، ج ۳، ص ۱۶۶، ذكر مسير من سار إلى حصر عثمان.

<sup>۳۲</sup> كهف، آیه ۷۷

<sup>۳۳</sup> مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۵۶.

<sup>۳۴</sup> انساب الاشراف بلاذري، كتاب جمل ج ۳ ص ۱۷۶ تحقيق سهيل زكار و سهيل زرکلي

<sup>۳۵</sup> کامل الزيارات ابن قولويه، ص ۱۶۸ باب التاسع و الستون



حضرت نیاید و دعا نکند و به واسطه ی آن حضرت به خدا تقرب نجوید، مگر اینکه بر خداست که حزن و اندوه او را برطرف ساخته و نیازش را برآورده سازد و گناهش را بیامزد و عمرش را طولانی کند و رزق و روزی اش را وسعت دهد؛ پس ای بصیرتمندان عبرت بگیرید).

نتیجه آنکه گزارشاتی که در بعضی از کتابها آمده و نویسندگانی به آنان تمسک بسته و آن را دستمایه انکار اصل موضوع قرار دادند، این گزارشات در کتب متاخر بوده و جالب آنکه خود همین نویسندگان برای اثبات طلب آب امام(ع) گزارش دست اولی از منابع متقدم میخوانند و برای انکار و رد آن به گزارشات کتب متاخر بعد از قرن ششم تمسک می جویند.

مثلا گفته می شود((هدف تنها گریه است و هر چه رقت آمیزتر کردن صحنه های عاشورا، هر چند ذلت امام(ع) و اطرافیانش را در برداشته باشد!!!)) و این رویه جعل گزارشات صحنه های کربلا همچنان به کار خود ادامه میدهد و هر سال و پس از آنکه گزارشهای پیشین دیگر خاصیت گریه آوری خود را از دست داده، گزارشهای رقت آورتر و ذلت آمیزتری ساخته میشود و سکوت دانشمندان و فرهیختگان و گاه تشویق آنها که بخشی از آن ریشه در عدم مطالعه تاریخ اسلام دارد، بر سرعت این رفتار هر چه بیشتر میافزاید))<sup>۳۶</sup>

یا درخواست امام بر ندبه بر او و خاندانش<sup>۳۷</sup> را بی اساس و بی پایه و غیر مستند دانسته اند و بی وفایی بعضی از یاران حضرت و نفرین حضرت سکینه<sup>۳۸</sup> یا طلبیدن جرعه ایی آب برای طفل رضیع<sup>۳۹</sup> یا درخواست برگرداندن به سمت میدینه با عنوان((ردنا الی حرم جدنا))<sup>۴۰</sup> و یا شکایت از کشته شدن با عباراتی نظیر((واجده! وامحمداه! و ابالقاسماه! و ابناه! واعلیاه! واحسناه! واجعفره واحمزه! واعقیلا<sup>۴۱</sup> و... همه را مردود شمرده و حتی مقتل ابومخنف را دروغین شمرده و واقعیت آنست که بعضی از این وقایع(مثل روی دست گرفتن حضرت علی اصغر(ع) قابل اثبات نیست از نظر منابع متقدم) نیاز به تبیین دارد و اینطور نیست که ما همه ی آنها را مردود بشماریم امام را بخاطر آنکه امام است از خیلی از امور جاری و عادی و طبیعی مبرا بدانیم که اگر آنطور باشد امام از عالم غیب، اجنه و...کمک میگرفت.

گزارشات تاریخی منابع متقدم و متاخر

قرن سوم

الف) کتاب اخبار الطوال از منابع مهم و کهن و متقدم که در بین مورخین جایگاه ویژه دارد می نویسد؛

و عطش الحسین، فدعا بقدح من ماء. فلما وضعه فی فیه رماه الحصین بن نمیر بسهم، فدخل فمه، و حال بینة و بین شرب الماء، فوضع القدح من یدہ.<sup>۴۲</sup>

<sup>۳۶</sup> مقاله عزت طلبی در نهضت حسینی ص ۰۳۵.

<sup>۳۷</sup> موسوعه کلمات امام الحسین ع، ص ۴۸۶ به نقل از الدعوه الساکبه ج ۴، ص ۳۵۱؛ معالی السبطین، ج ۲، ص ۲۲؛ ذریعه النجاه، ص ۱۳۹.

<sup>۳۸</sup> اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج ۲، ص ۱۸۲.

<sup>۳۹</sup> اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج ۲، ص ۶۰۹ به نقل از مقتل ابی مخنف، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

<sup>۴۰</sup> المنتخب، ج ۲، مجلس نهم، ص ۴۵۲؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۷؛ اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۳.

<sup>۴۱</sup> اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۵۸ به نقل از مقتل ابو مخنف، ص ۱۴۰ - ۱۴۲.

<sup>۴۲</sup> . مشخصات نشر: الأخبار الطوال، ابو حنیفه احمد بن داود الدینوری (م ۲۸۲)، صفحه ۲۵۸ تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.

امام حسین (ع) سخت تشنه بود قدح آبی خواست و چون آنرا به دهان خود نزدیک ساخت حصین بن نمیر تیری بر آن حضرت زد که به دهانش خورد و مانع از آشامیدن شد و امام (ع) قدح را رها فرمود.

در طبقات الکبری طبری حرف از طلبیدن امام آورده شده بی آنکه اشاره به ذلت وی شود؛

(ب)....عطش الحسین فاستقی<sup>۴۳</sup>

قرن چهارم

(الف)ابن اعثم کوفی در الفتوح گفته؛

جعل الحسین يطلب الماء و شمر يقول له و الله لاتروه او ترد النار فقال له رجل الا ترى الى الفرات يا حسين كانه بطون الحيتان و الله لاتذوقه او تموت عطشا فقال الحسین اللهم امته عطشا.<sup>۴۴</sup>

امام حسین (ع) از شمر طلب آب نمود و او گفت آن را نبینی تا اینکه وارد آتش شوی. کردی مردی به او گفت ای حسین به آب فرات بنگر از آن نمیچشی تا آنکه بمیری که امام وی را نفرین کرد و فرمود؛ خدایا تشنگی را به او به چشان.

(ب)مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳۵۶ق) آورده که؛

....جعل الحسین يطلب الماء<sup>۴۵</sup>

(ج) روی هلال بن نافع قال: «انی لواقف ... و انه لیجود بنفسه فوالله مارأیت قط قتیلا مضمخا بدمه احسن منه و انور وجهها و لقد شغلنی نور وجهه و جمال هیبته عن الفکره فی قتله فاستسقی فی تلك الحاله ماء...»<sup>۴۶</sup>

راوی می گوید:روبروی امام حسین علیه السلام در حالیکه غرقه به خون بود ایستاده بودم در حالیکه نور چهره و جمال هیبت او مرا مشغول کرده بوده از فکر کشتن او، در حالیکه دیدم او طلب آب می کرد

قرن ششم

(الف)....عطش الحسین فاستقی<sup>۴۷</sup>

مقتل الحسین خوارزمی آورده که؛

۴۳ . طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۷۲

۴۴ . الفتوح ابن اعثم کوفی، ج ۵، ص ۱۱۷

۴۵ . مقاتل الطالبین، ص ۱۱۸

۴۶ . مروج الذهب، ج ۳، ص ۷۱

۴۷ . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۱۱

ب) ... جعل الحسين يطلب الماء و شمر يقول له و الله لاتروه او ترد النار<sup>۴۸</sup>

قرن هفتم

الف) مرحوم ابن نماء حلی (متوفای ۶۴۵ هـ. ق) در مقتل «مثیر الأحزان» می فرماید: «... ثم قصدوه بالحرب و جعلوه شلوا فی کثره الطعن والضرب و هو یستقی شربه من ماء و لا یجد...»<sup>۴۹</sup>

در حالیکه بدن مبارک حضرت پر از نیزه و زخم شده بود طلب آب می کرد اما نیافت.

ب) ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی کتابی به زبان عربی اثر محب‌الدین طبری (متوفای ۶۹۴ ق) که در آن آمده

«صاح الحسین بن علی اسقونا ماء فرمی رجل بسهم فشق شذقه...»<sup>۵۰</sup>

زمانیکه امام حسین علیه السلام فریاد زد به ما آبی بدهید مردی تیری انداخت به سمت حضرت و موجب زخمی شدن بدن مبارک آن حضرت شد.

در تذکره الخواص ابن جوزی آمده که فالتفت الحسین فاذا بطفل له یبکی عطشا فاخذته علی یدیه و قال یا قوم ان لم ترحمونی فارحموا هذا الصفل...»<sup>۵۱</sup>

قرن هشتم

فقصده القوم و هو فی ذلک یطلب شربه من ماء.<sup>۵۲</sup>

بنابراین دانسته شد که طلب آب کردن امام حسین علیه السلام در کربلا در نصوص مختلفی آمده است

واینطور نیست که عده ای گفته اند که این جریان نه در کتابهای معتبر و نه نیمه معتبر آمده است، لذا اینکه ایشان ادعا کرده این روایات فقط در کتابهایی آمده که پر از اکاذیب است؛ سخنی است بدون علم و باطل.

آیا استغاثه و یا طلب آب، در شأن امام معصوم علیه السلام نیست؟

اما اینکه گفته شده این سخنان موجب ذلت امام حسین علیه السلام است و در شأن امام حسین علیه السلام نیست در جواب می گوئیم که این کلمات، علتیهای مختلفی می تواند داشته باشد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۴۸ . مقتل الحسین خوارزمی، ج ۲، ص ۳۳

۴۹ . مثیر الاحزان، ص ۵۵.

۵۰ . ذخائر العقبی ص ۱۴۴

۵۱ . ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۲۷

۵۲ . البدایه و النهایه ج ۸ ص ۲۰۳

۱ - بخاطر اتمام حجت بر دشمنان است که تا آخرین لحظه ویا در قیامت نگویند امام از ما طلب آب نکرد لذا ما هم به او آب ندادیم.

۲ - بخاطر اثبات مظلومیت خود تا روز قیامت است تا همه عالم بفهمند که امام حسین علیه السلام را با لب تشنه به شهادت رساندند و اگر طلب آب نمی کرد شاید چنین مطلب مهمی از یادها فراموش می شد.

۳ - طلب آب یکی دیگر از جلوه های رحمت و هدایت امام حسین علیه السلام بود که شاید فردی با شنیدن این جملات به یاد مظلومیت اهل بیت علیه السلام بیفتد تا از دریای ظلمت سپاه دشمن جدا شود و در کشتی هدایت و نور امام حسین علیه السلام سوار شود چنانچه برخی از افراد دشمن در روز عاشورا بعد از این استغاثه ها به سپاه امام حسین علیه السلام پیوستند.

قرون معاصر

از زبان خود سیدالشهداء هم نقل شده که فرمود: "شیعتی ما ان شربتم عذب ماء فاذکرونی او سمعتم بغریب او شهید فاندبونی". چنان که در خصائص حسینی شوشتری آمده است<sup>۵۳</sup>

کتاب فاخر و ارزشمند مقتل جامع سید الشهداء(ع) در جلد اول آورده که؛ هلال بن نافع می گوید.....در آن حالت (امام حسین علیه السلام) آب خواست مردی میگفت هرگز اب نخواهی نوشید تا به دوزخ درآیی.<sup>۵۴</sup>

در ینابیع الموده قندوزی آمده که قالت ام کلثوم ؛یا اخی ان ولدک عبدالله ما ذاق الما منذ ثلاثه ایام فاطلب له من القوم شربه تسقیه.....قال(الحسین) فاسقوه شربه من الماء<sup>۵۵</sup> ام کلثوم گفت برادرم سه روز است که فرزندت عبدالله آب ننوشیده از این گروه آبی بخواه تا سیرابش کنی

در کتاب لهوف(المهوف) و مثیر الاحزان و بحار الانوار و مدینه المعاجز نیز این عبارت آورده شده؛...فاستسقی فی تلك الحاله ماء.<sup>۵۶</sup>

### نتیجه گیری؛

هدف سید الشهداء(ع) از طلب آب سیراب شدن یا رفع عطش نیست تا تصور شود عزت حضرت خدشه دار شده و این قضاوتی سطحی است بلکه با توجه به حسینی که قرآن و اهل بیت و پیامبر(ص) معرفی کرده قطعاً هدف غیر از ین است، مثلاً اقدام رسانه ایی برای معرفی دشمن، یا هدایت، و...چنانچه تا لحظات آخر آب در خیمه بوده و حضرت عباس(ع) بیست مشک و به قول اخبار الطوال<sup>۵۷</sup> پنجاه مشک آب برای اردوگاه امام بردند، لذا آب تا لحظات آخر در خیمه بوده(هر چند بسختی). بنابراین ذلت این نیست که امام آب بطلبد بدون آنکه فائزین همه ی گزارشات

<sup>۵۳</sup> . شوشتری، الخصائص الحسينیه، ص ۹۹، به نقل از فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ج ۱، ص ۴۰؛ موسوعه عاشوراء - الشیخ جواد محدثی، ج ۱،

ص ۲۵۰. المصباح کفعمی ص : ۷۴۱؛ طباطبائی قمی، سیدتقی، شهید کربلا، ج ۱، ص ۱۹۷.

<sup>۵۴</sup> . پیشوایی مهدی، و جمعی از نویسندگان، مقتل جامع سید الشهداء، جلد اول، ص ۸۷۳

<sup>۵۵</sup> . قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، ص ۴۱۵

<sup>۵۶</sup> . سید بن طاووس، لهوف، ص ۱۷۷، مثیر الاحزان ص ۷۵، بحار الانوار ج ۴۵، ص ۷۵، مدینه المعاجز ج ۴ ص ۷۶ ح ۱۰۹۳

<sup>۵۷</sup> . ابن قتیبہ دینوری، احمد، اخبار الطوال، ص ۳۷۶

را بررسی کنند، چه آنکه اگر طلب آب ذلت است پس رواست که امام در همان لحظات بگوید آیا مرا میکشید و حرمتم را میشکنید؟ مگر من فرزند دختر پیغمبرتان نیستم؟<sup>۵۸</sup> اگر طلب آب ذلت است چرا درخواست و مهلت گرفتن و تاخیر یک شبه کارزار ذلت نباشد، حال این گزارش مورد تایید هم است.<sup>۵۹</sup>

### منابع

#### قرآن کریم

- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، گردآورنده، شمس الدین، ابراهیم، دار الکتب العلمیة - بیروت لبنان ۱۴۰۷ ه ق
- ابن شهر آشوب، سروری مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، مصحح سیدهاشم رسولی محلاتی، مؤسسه انتشارات علامه، بی تا،
- ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، مصحح علی اکبر غفاری، مترجم سیدهاشم رسولی محلاتی، نشر صدوق، چاپ تابش، بی تا
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۳۶۷ ه ق)، کامل الزیارات، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ناشر: دار المرتضویه نجف اشرف، سال چاپ ۱۳۵۶
- ش، نوبت چاپ اول
- سیدجوادی احمد صدر ، کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی دایره المعارف تشیع، تهران، شهید سعید محبی،
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، مصحح الشیخ محمد باقر مهدوی، دار التعارف بیروت، ۱۳۹۷ ق ۱۹۷۷ م
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، مترجم، ابوالقاسم پاینده، سال انتشار ۱۳۹۴، چاپ اول، ۱۶ جلدی
- طبری محمد بن جریر بن رستم ، دلائل الإمامة، ناشر ، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، سال نشر ۱۴۱۳ ه ق
- شیخ آغابن عابد شیروانی حائری معروف به فاضل دربندی، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، تحقیق شیخ محمد جمعه بادی و عباس ملاحظیه الجمری، چاپ اول، قم، دار ذوی القربی للطباعة و النشر ، ۱۴۲۰ ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی حجج الله علی العباد ، با ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی، مشخصات نشر : تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۸
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت ، لبنان
- قمی شیخ عباس (۱۳۱۹-۱۲۵۴) منتهی الآمال فی تواریخ النبی و آل علیهم السلام، مشخصات نشر : تهران: مبین اندیشه، ۱۳۹۰
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۰۹۱ ق) تفسیر الصافی، ، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، نشر صدر، ج ۶، ۱۴۱۵ ق

<sup>۵۸</sup> طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵ ص ۴۲۴، شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۷، بلاذری، انساب الاشراف ج ۳ ص ۳۹۶

<sup>۵۹</sup> . طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵ ص ۴۱۶، بلاذری، انساب الاشراف ج ۳ ص ۳۹۱، ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵ ص ۹۷، خوارزمی، مقتل الحسین ج ۱ ص ۳۵۰



- ابن قتیبة الدینوری، عبدالله بن مسلم، الامامه و السياسه، تصحيح على شيرى، ناشر، دار الاضواء بيروت، لبنان ۱۹۹۰
- نوری، حسین ۱۳۲۰ ق، مستدرک الوسائل. ناشر آل البيت، مجموعه ۲۹ ج، بی تا
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف بلاذری، تحقیق سهیل زکار و سهیل زرکلی، نشر دارالفکر، بیروت ۱۴۱۷ ه ق
- ابن نما حلی، نجم الدین جعفر بن محمد (۸۴۱ ه ق)، مثير الاحزان، تحقیق و نشر : مدرسه الامام المهدي (عليه السلام) قم المقدسه سال - چاپ ۱۴۰۶ ق
- طبری، محب الدین ، ذخائر العقبی، ناشر ، مکتبه الاندلسی، تاریخ نشر ۱۳۵۶----
- اسماعیل بن عمر، ابن کثیر (۷۷۴ ه ق)، البدايه و النهايه ، دارالفکر بیروت، لبنان، بی تا
- شوشتری، الخصائص الحسينیه، ص ۹۹، به نقل از فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ج ۱، ص ۴۰؛ موسوعه عاشورا - الشيخ جواد محدثی، ج ۱، ص ۲۵۰
- طباطبائی قمی، سید تقی شهید کربلا ، نشر انتشارات محلاتی، تابستان ۱۳۷۰ چاپ دوم
- پیشوایی مهدی، و جمعی از نویسندگان، مقتل جامع سید الشهداء، جلد اول، ص ۸۷۳
- ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، محقق، تقی حسن زاده، قم، مرکز جهانی اهل بیت، ۱۴۲۶ ه ق

#### نشریات

- تاریخ در آینه پژوهش ۱۳۸۲ شماره ۴، موسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم
- پارسا پور، زهرا ، فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهرا (س)، بهار و تابستان ۳۱۹۴، شماره ۷، ۱۳۹۰